
«دشمنان خود را
دوست داشته
باشید»

مرد جوانی به مکان عبادت وارد شد. او بارها به مسجد رفته بود، اما اکنون در یک کشور غربی زندگی می کند. اومتعجب از این است که چرا مسیحیت در کشورش تا این اندازه مورد نفرت و تحقیر قرار می گیرد.





او در مورد مبارزان اسلامی و بمب گذاران انتحاری وتروریست ها می دانست. او در مورد دولت کشورش و این که به هیچ عنوان قادر به تحمل آزادی مذاهب نیست هم می دانست. همچنین با این قضیه بزرگ شده بود که غربی ها همه مسیحی هستند و زندگی آنها همواره با فساد اخلاقی و بدی همراه است.







اما اکنون در عبادتگاه مسیحیان قرار داشت. افراد با خواندن سرود هایی خدا را ستایش می کردند. آنها با اندیشه و آزادی خاطر دعا می کردند. آنها با احترام و سکوت به کتاب مقدس گوش فرا می دادند و در نهایت شبان کلیسا به توضیح و تفسیر کتاب مقدس می پرداخت و همواره به آیات کتاب مقدس رجوع می کرد و هرگز نظر شخصی خود را اعمال نمی کرد و هرگز لیستی ازاینکه دیگران چگونه کتاب مقدس را تفسیر می کنند ارائه نمی داد.





شبان شروع به توضیح سخنان عیسی می کند:

« شنیده اید که : همسایه ات را دوست بدار و با دشمن خویش دشمنی کن. اما من به شما می گویم دشمنان خود را دوست بدارید و برای کسانی که به شما آزار می رسانند دعا کنید. بدین وسیله شما فرزندان پدر آسمانی خود خواهید شد.»

(متی ٥ : ٤٣-٤٥)

او با خود اندیشید: « او کیست که چنین تعالیمی دارد؟» آن مرد جوان تصمیم گرفت تا دریابد که عیسی دقیقا چه کسی است.

LOVE YOUR ENEMIES

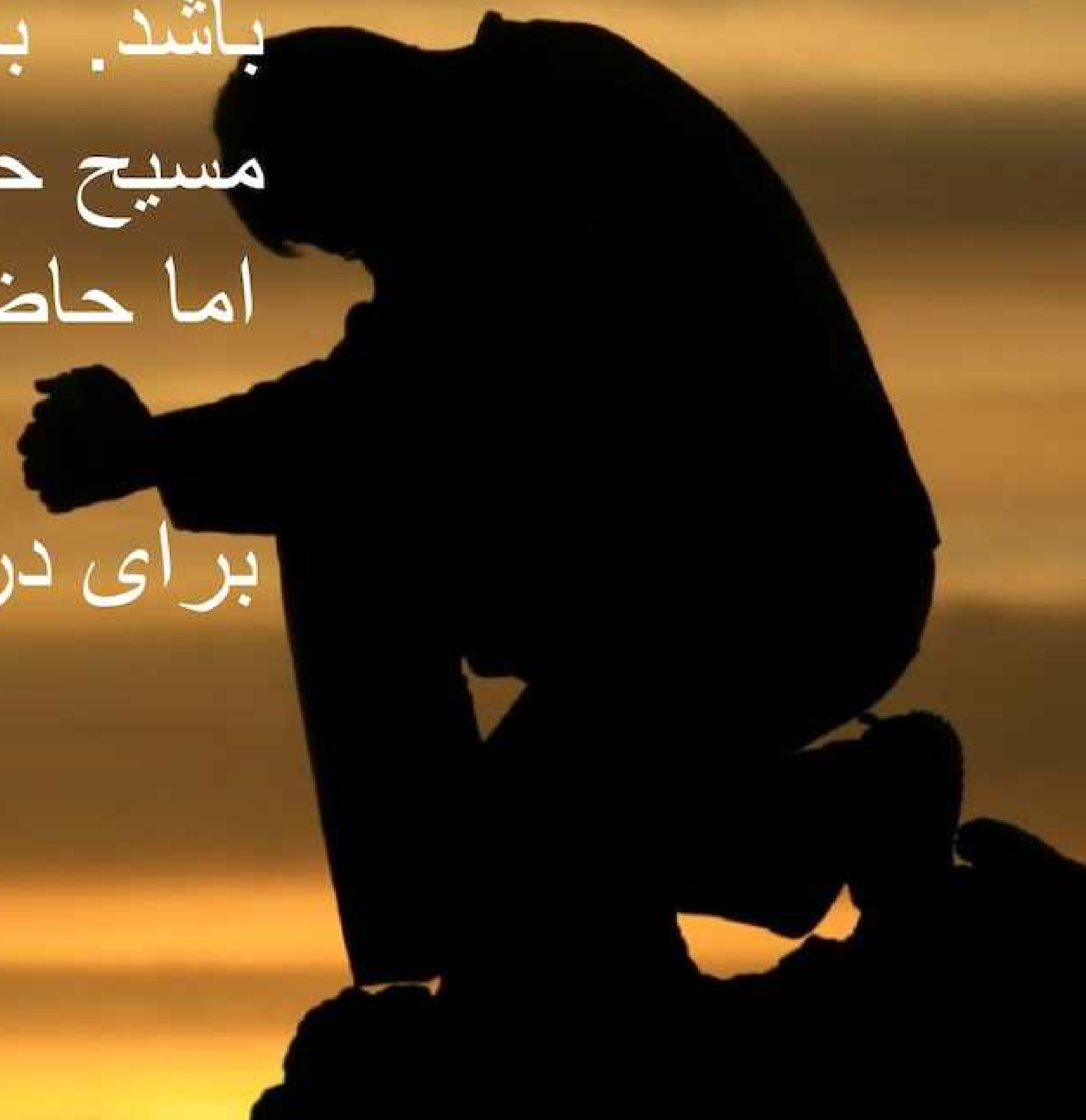
این باعث شد تا به مطالعه بیشتر کتاب مقدس بپردازد. همواره به او گفته شده بود که کتاب مقدس تحریف شده است. اما با دقت به خواندن کتاب مقدس پرداخت و دریافت که گناه کار است و اینکه عیسی مقدس است. تنها امید او این بود که فردی دیگر جزای گناهان او را بدهد. فردی که فرمود:« دشمنان خود را دوست داشته باشید.» ، آمده بود تا برای دشمنانش بمیرد.

در بخشی دیگر از کتاب مقدس داریم:

« به ندرت می توان کسی را یافت که حاضر باشد حتی برای یک شخص نیکو از جان خود بگذرد. اگر چه ممکن است گاهی کسی به خاطر یک دوست خیرخواه جرأت قبول مرگ را داشته باشد. اما خدا محبت خود را نسبت به ما کاملا ثابت کرده است. زیرا در آن هنگام که ما گناه کار بودیم، مسیح به خاطر ما مرد.

(رومیان ۸-۷: ۵)

او از عسیی مسیح درخواست کرد تا او را نجات بدهد. او دریافت که اگر خدا دشمنانش را دوست دارد و فرزند خود را برای نجات آنها فرستاد ، بنابراین هر آیینی که به ما تعلیم دهد دشمنانمان را بکشیم نمی تواند درست باشد. به همین دلیل است که پیروان واقعی مسیح حاضرند که برای او جان خود را بدهند، اما حاضر نیستند که برای او قربانی بدهند.



برای دریافت کتابچه کامل <u>اینجا</u> را کلیک کنید.







عیسی داستانی را نقل می کند: دزدان به مسافری حمله می کنند. همراهان مسافر دور می شوند و او را در حال مرگ رهامی کنند.

مردی که به عنوان دشمن آنها بود، برای کمک به او می ایستد.